

# سارق همه فن حریف به دام افتاد

■ **غلامرضا مسکنی**

سبّارق همه‌فن حریفی که در بجنوبه جنگ بسا شیوه‌های مختلف از شهروندان سبّرق و کلاهبرداری می‌کرد، توسط مأموران پلیس آگاهی تهران دستگیر شد.

چندی قبل، زنی سراسمه با اداره پلیس تهران تماس گرفت و از سبّرق تلفن همراه گرانتیمش از سوی یک سارق موتورسوار شکایت کرد.

وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند، زن جوان در توضیح ماجرا گفت: «کنار خیابان منظر پیک موتوری بودم که به صورت اینترنتی گرفته بودم. در حال بررسی گوشی‌ام بودم تا متوجه شوم پیک کی می‌رسد که ناگهان یک موتورسیکلت به من نزدیک شد. در یک چشم به‌هم زدن، گوشی ایفون ۱۶م را از دستم قاپید و فرار کرد. داد و فریاد کردم و از رهگذران کمک خواستم، اما سارق حرفه‌ای بود و خیلی سریع ناپدید شد.»

■ **کلاهبرداری به بهانه مژدگانی**

تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران به دستور قاضی امیرحسین شریفی‌وند، بازپرس دادرسی ویژه سبّرق ادامه داشت. در همین حین، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و این‌بار از همان سبّارق به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد.

او گفت: «پس از سبّرق، چند بار با شماره تلفن شوهرم با گوشی‌ام تماس گرفتم، اما کسی جواب نداد. تائیکه چند ساعت قبل، فردی با گوشی شوهرم تماس گرفت و گفت گوشی‌م را پیدا کرده و اگر ۵ میلیون تومان مژدگانی بدهیم، آن را برمی‌گرداند. ما اطمینان کردیم و به شماره کارت‌ی که داده بود، ۵ میلیون تومان واریز کردیم، اما پس از آن، گوشی‌ام دوباره خاموش شد. الان فهمیدیم سارق به این شیوه هم از ما کلاهبرداری کرد.»

■ **زدنی تا یک زن معناد**

مأموران پلیس در ادامه، شماره کارت‌ی را که شاکی به آن پول واریز کرده‌بود، بررسی کردند. مشخص

**خانواده سرباز فداکار نیازمند حمایت قطعی**

## عذر خواهی پلیس از خانواده سربازی که ۱۴ سال در کما مانده‌است

■ **جلال مهرگان**

رئیس پلیس‌راه راه‌آهور فراجا با عذر خواهی از خانواده سربازی که ۱۴ سال پیش در جریان مأموریت بمب‌آثر بر خورد یک خودروی شسوتی دچار زندگی نباتی شد، از بیگیری ویژه‌وضیعت این سرباز و حمایت از خانواده‌اش خبر داد؛ خانواده‌ای که در تمام این سال‌ها بی‌وقفه از فرزندشان مراقبت کرده‌اند.



۱۴ سال از روزی که یک سرباز پلیس‌راه هنگام انجام مأموریت در جاده، قربانی برخورد یک خودروی شوتی شد، می‌گذرد. حادثه‌ای که زندگی او را به تخت بیمارستان و خانواده‌اش را به سال‌ها رنج و مراقبت گره زد. حالا رئیس پلیس‌راه راه‌آهور فراجا می‌گوید

که این پرونده دوباره مورد توجه قرار گرفته و پلیس خود را موظف به حمایت از این خانواده می‌داند. سردار احمد کردی‌اسد با اشاره به بازبینی پرونده نیروهای آسیب‌دیده هنگام مأموریت گفت: در این بررسی‌ها وضعیت یکی از سربازان پلیس‌راه مورد توجه قرار گرفت که سال ۱۳۹۱ هنگام کنترل تخلفات رانندگی و کار با دوربین کنترل سرعت، بر اثر برخورد یک خودروی شوتی به شدت متروک شد و از آن زمان تاکنون در وضعیت جدی نباتی به سر می‌برد.

■ **فرار شوتی**

او توضیح داد راننده خودرو پس از حادثه

شد این کارت متعلق به زن معنادی به نام «فروش» است که آن را به فردی ناشناس به مبلغ ۲ میلیون تومان فروخته‌بود.

■ **رد پلاک مخدوش نشده**

در شاخه دیگر از تحقیقات، مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته، شماره پلاک موتورسیکلت سارق را به دست آوردند، اما وقتی استعلام کردند، فهمیدند سارق چند روز قبل آن موتورسیکلت را از کنار ساختمانی که هدف پرتابه دشمن قرار گرفته بود، سبّرق کرده‌است. به همین دلیل پلاک موتور را مخدوش نکرده‌بود؛ چون اصلاً مال خودش نبود.

■ **کلکسیون‌ی از جرائم**

در حالی که تحقیقات مأموران برای شناسایی متهم به بن‌بست رسیده‌بود، با شکایت‌های مشابه متعددی روبه‌رو شدند. شاکیان همگی از سارق موتورسوار می‌گفتند که پس از سبّرق تلفن همراه، به بهانه تحویل آن و دریافت مژدگانی، از آنها کلاهبرداری می‌کند.

مأموران همچنین در برخی موارد، به ردپای سارق در فضای مجازی هم رسیدند. او لوآزمی را آگهی می‌کرد که اصلاً وجود نداشتند و با گرفتن بیعانه از خریداران ساده‌لوح، ناپدید می‌شد.

بررسی‌های مأموران نشان داد سبّارق موتورسوار، متهمی همه‌فن حریف است که به صورت حرفه‌ای سبّرق‌ها و کلاهبرداری‌هایش را طراحی و اجرا می‌کند.

■ **تعقیب و گریز و دستگیری**

تحقیقات برای دستگیری سبّارق ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل، گشت مأموران پلیس موفق شد موتورسیکلت سرقی را که سبّارق با آن دست به سبّرق می‌زد، شناسایی کند. تعقیب و گریزی نفس گیر در خیابان‌های تهران آغاز شد. در نهایت، مأموران راننده موتور را متوقف و بازداشت کردند و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم پس از دستگیری به سبّرق‌های سریالی به شیوه‌های مختلف اعتراف کرد.

## حواالت

سرویس حوادث ۶۰۰۲۳۰۸۵۲۳



نی، معمولاً کارت تن‌خواب‌ها و افراد معناد را می‌خریدم.

نه من حرفه‌ای هستم. تصور نمی‌کردم در این اوضاع جنگ و بحران، مأموران بتوانند رد مرا به دست بیاورند، اما اشتباه کردم. پلیس خیلی حرفه‌ای تر از من بود.

# قتل دوست بر سر موبایل

■ **آرمن بینا**

درگیری دو دوست بر سر یک گوشی تلفن همراه به قتل انجامید. مقتول که پس از خوردن مشروب گوشی دوستش را به امانت گرفته بود پس نمی‌داد و به قتل رسید.

شامگاه پنج‌شنبه، بیست و چهارم اردیبهشت، مأموران پلیس تهران خبری تکان‌دهنده را به قاضی محسن اختیاری، باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران، اطلاع دادند. چند پسر جوان، دوست مشترکشان را که به شدت زخمی شده‌بود، برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌بودند. تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات جان او انجام داد، اما وی بر اثر شدت جراحات جان باخت.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه با تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان شدند.

■ **صحنه دلخراش: ۷ضربه چاقو**

**بر بدن مقتول**

تیم جنایی در بیمارستان با جسد پسر ۲۷ساله‌ای به نام «کامران» روبه‌رو شدند. به گفته پزشکان، حدود شش تا هفت ضربه چاقو بر بدن او وارد شده‌بود و خونریزی شدید داخلی، عامل مرگ وی اعلام شد.

تحقیقات ابتدایی حکایت از آن داشت مقتول در نزدیکی خانه‌اش در غرب تهران، در درگیری با یکی از دوستانش به نام «منصور» به قتل رسیده‌است.

■ **روایت دوست مقتول**

یکی از دوستان مقتول که شب حادثه در خانه او حضور داشت، به مأموران گفت: «من و چند نفر از دوستانم شب حادثه به خانه کامران دعوت بودیم. کنار هم مشغول خوشگذرانی بودیم که ناگهان زنگ خانه به صدا درآمد. یکی از دوستانش به نام منصور پشت در بود، اما کامران به او گفت میهمان دارم و از او خواست روز دیگری بیایند. منصور اصرار کرد و کامران هم به سمت در رفت.»

وی ادامه داد: «لحظاتی بعد، صدای درگیری آنها را شنیدیم. به سرعت به داخل کوچه رفتیم و با پیکر نیمه‌جان و خونین دوستانم روبه‌رو شدیم. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتیم و او را به

فرمانده انتظامی تربت حیدریه از واژگونی یک دستگاه خودروی پراید در محور تربت حیدریه به مشهد با دو کشته و دو مصدوم خبر داد. سرهنگ حمیدرضا خوشجو گفت: روز گذشته هم‌زمان با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درباره حادثه رانندگی در جاده تربت حیدریه

به مشهد، مأموران در محل حاضر شدند.

وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد یک دستگاه خودروی سواری پراید با چهار سرنشین به دلایل نامعلومی واژگون شده‌است که راننده و یک سرنشین در دم فوت کرده و دو سرنشین دیگر نیز مصدوم شده بودند که به مراکز درمانی منتقل شدند.

یک‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ | ۲۹ ذی‌القعده ۱۴۴۷

➤ **یادداشت**

## قاتلی که هر زمستان از دودکش‌ها باز می‌گردد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

۸۳۱ نفر در جریان حوادث گاز گرفتگی سال قبل فوت شدند. پشت هر کدام از این اعداد، خانه‌ای خاموش شده، مادری که دیگر صبح بیدار نشده، کودکی که خوابش به بیداری نرسیده و خانواده‌ای که در سکوت قربانی گازی شده‌اند که نه رنگ دارد، نه بو و نه صدا. گاز منوکسیدکربن هر سال در ایران قربانی می‌گیرد، بی‌آنکه انفجاری رخ دهد یا از زیر خطری به صدا درآید؛ مرگی آرام، تدریجی و هولناک که به همین دلیل به «قاتل خاموش»

معروف شده‌است. آمار رسمی می‌گوید در سال ۱۴۰۴، دست‌کم ۸۳۱ نفر در کشور بر اثر مسمومیت با گاز منوکسیدکربن جان باخته‌اند. هر چند این عدد نسبت به سال قبل ۳ درصد کاهش داشته، اما واقعیت تلخ آن است که هنوز دهها خانواده در هر ماه، قربانی حادثه‌ای می‌شوند که بخش عمده آن قابل پیشگیری است. وقتی مرگی با چند اقدام ساده ایمنی قابل مهار باشد، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً «حادثه» نامید؛ اینجا با یک بحران مزمن فرهنگ ایمنی و ضعف نظارت روبه‌رو هستیم.

آنچه این آمار را نگران‌کننده‌تر می‌کند، تکرار الگوی همیشگی آن است. ۶۷ درصد قربانیان در نیمه دوم سال جان باخته‌اند؛ همان روزهایی که سرما از راه می‌رسد، بخاری‌ها روشن می‌شوند، پنجره‌ها بسته می‌مانند و خانه‌ها به اتاقک‌هایی بدون جریان هوا تبدیل می‌شوند. بهمن‌ماه با ۱۴۹ فوتی در صدر این فهرست قرار دارد، ماهی که سرمای شدید، فشار اقتصادی و استفاده از وسایل گرمایشی غیراستاندارد، دست به دست هم می‌دهند تا مرگ آرام آرام وارد خانه‌ها شود.

اما چرا این فاجعه همچنان تکرار می‌شود؟ پاسخ را باید در چند لایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جست‌وجو کرد. بخشی از ماجرا به فرسودگی وسایل گرمایشی و نبود نظارت مؤثر بازمی‌گردد. هنوز در بسیاری از خانه‌ها بخاری‌های قدیمی، اگر ممکن‌های غیراستاندارد و دودکش‌های غیراصولی استفاده می‌شود. در برخی مناطق محروم، خانواده‌ها برای گرم ماندن ناچارند از بگ‌نیک، منقل یا حتی اگان گاز استفاده کنند، تصمیمی که اغلب از سر بی‌احتیاطی نیست، بلکه محصول فقر و ناتوانی اقتصادی است.

بخش دیگر ماجرا به ضعف آموزش عمومی بازمی‌گردد. جامعه ما هنوز خطر منوکسیدکربن را جدی نگرفته‌است. بسیاری از مردم نمی‌دانند تغییر رنگ شعله بخاری، داغ شدن غیرعادی دودکش یا سردرد و خواب‌آلودگی ناگهانی می‌توانند نشانه حضور گاز مرگ باشد.

در مدارس، رسانه‌ها و حتی تبلیغات شهری، آموزش مستمر و فراگیر درباره این خطر کمتر دیده می‌شود، در حالی که در بسیاری از کشورها، آموزش ایمنی گرمایشی بخشی از فرهنگ عمومی است.

از سوی دیگر، معماری و سبک زندگی شهری نیز در این بحران بی‌تأثیر نیست. خانه‌های کوچک، پنجره‌های کاملاً درزبندی شده، حذف جریان طبیعی هوا و تبدیل پارکینگ‌ها و فضاهای بسته به محل روشن ماندن خودروها، محیط را برای تجمع گاز آماده می‌کند. شهرهای مدرن، اگر بدون پیوست ایمنی ساخته شوند، می‌توانند به تله‌های خاموش مرگ تبدیل شوند.

نکته تلخ‌تر اینجاست که قربانیان گاز گرفتگی اغلب فرصت فرار ندارند. منوکسیدکربن آرام وارد خون می‌شود، اکسیژن را کنار می‌زند و مغز را از کار می‌اندازد. بسیاری از قربانیان در خواب جان می‌دهند؛ بی‌هیاهو، بی‌فریاد و بی‌آنکه حتی متوجه شوند چه بر سرشان آمده‌است. به همین دلیل است که کارشناسان، این مرگ‌ها را از درناک‌ترین انواع مرگ‌های خانگی می‌دانند.

در چنین شرایطی، مسئولیت فقط بر دوش مردم نیست. دولت، شهرداری‌ها، رسانه‌ها، نظام مهندسی، تولیدکنندگان وسایل گرمایشی و نهادهای آموزشی همگی در این چرخه سهم دارند. وقتی بخاری غیراستاندارد به‌راحتی وارد بازار می‌شود، وقتی نظارت بر نصب دودکش‌ها جدی نیست، وقتی ساختمان بدون تهویه مناسب پایان کار می‌گیرد و وقتی آموزش ایمنی تنها به چند هشدار فصلی محدود می‌شود، باید پذیرفت که جامعه در برابر این قاتل خاموش، هنوز بی‌دفاع است.

کاهش ۳صدی آمار شاید در ظاهر امیدوارکننده باشد، اما برای کشوری که هر سال صدها نفر را به شکلی کاملاً قابل پیشگیری از دست می‌دهد، کافی نیست. مسئله اصلی این است که چرا هنوز باید هر زمستان، خبر مرگ خانواده‌هایی منتشر شود که شب کنار بخاری خوابیده‌اند، اما صبح هرگز بیدار نشده‌اند؟ گاز منوکسیدکربن فقط یک خطر فنی نیست، این‌ها است از وضعیت فرهنگ ایمنی، کیفیت نظارت و حتی شکاف‌های اقتصادی جامعه. تا زمانی که ایمنی به بخشی از سبک زندگی عمومی تبدیل نشود، این قاتل خاموش هر سال از دودکش‌ها باز خواهد گشت؛ آرام، بی‌صدا و مرگبار.

## پلیس:والدین در برابر رانندگی

## غیرمجاز فرزندان پاسخگو می‌شوند

پلیس راهور از تشدید بر خورد با رانندگان فاقد گواهینامه، به‌ویژه نوجوانان زیر سن قانونی خبر داد و اعلام کرد خانواده‌ها در برابر رانندگی فرزندان خود مسئول هستند و باید پاسخگوی سهل‌انگاری در این زمینه باشند.

سرهنگ علی‌اصغر زارع با اشاره به افزایش حساسیت پلیس نسبت به رانندگی‌های غیرمجاز گفت: مأموران راهور با هرگونه رانندگی بدون گواهینامه برخورد قانونی می‌کنند و در این موارد، خودرو متوقف و راننده متخلف نیز اعمال قانون خواهد شد.

او افزود: در مواردی که رانندگی توسط افراد زیر سن قانونی انجام شود، علاوه بر برخورد با راننده، والدین نیز به دلیل کوتاهی در نظارت و فراهم کردن شرایط تلف، مسئول شناخته می‌شوند.

به گفته این مقام پلیس، رانندگی نوجوانان بدون گواهینامه در سال‌های اخیر بارها منجر به وقوع تصادف‌های مرگبار و خسارت‌های سنگین شده و در بسیاری از پرونده‌ها، خانواده‌ها نیز با پیامدهای قضایی و اجتماعی روبه‌رو شده‌اند.

سرهنگ زارع با تأکید بر نقش خانواده‌ها در پیشگیری از تخلفات رانندگی گفت: فرهنگ احترام به قانون و رعایت مقررات ترافیکی از محیط خانواده آغاز می‌شود و والدین باید از سنین پایین، اصول تردد ایمن و مسئولانه را به فرزندان خود آموزش دهند.

وی همچنین آموزش نحوه صحیح عبور از خیابان، استفاده از پل‌های عابر پیاده، رد گذر‌ها و رعایت قوانین شهری را از جمله مواردی دانست که می‌تواند از بسیاری از حوادث تلخ جلوگیری کند.

معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور فراجا در پایان هشدار داد: هرگونه سهل‌انگاری در واگذاری واژگون خودرو به افراد فاقد گواهینامه می‌تواند عیبات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد و پلیس در این زمینه هیچ‌گونه اغماضی نخواهد داشت.